

تدوین مدل مفهومی فرآیندی مرکزیت بخشی نابهنجار به خود در منابع اسلامی

مجتبی حافظی*^۱ / حمید رفیعی هنر^۲ / عباس آینه چی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۶

تاریخ ارسال: ۹۸/۵/۱۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی چگونگی روابط میان مفاهیم مشیر به توجه نابهنجار به خود و تدوین مدل مفهومی فرآیندی از آن مفاهیم در منابع اسلامی و سنجش میزان روایی آن انجام شده است. بدین منظور از دو روش کیفی و کمی استفاده شده است. در بخش کیفی، ابتدا با استفاده از روش حوزه‌های معنایی به وسیله ۲۶۲ لغت مرتبط جمع‌آوری شده، ۳۱۰۵ روایت اسلامی با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند بر اساس اصل اشباع مورد بررسی قرار گرفت. این روایات به واسطه دو مرحله‌ی ضعف کتاب و عدم ارتباط مفهومی کامل، غریب و ۴۷۸ روایت برگزیده نهایی شد. تحلیل روایات نهایی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانون (۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی و سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. سپس شرایط علی مشترک مؤلفه‌ها ادغام و روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها بررسی و مدل اولیه فرآیندی طراحی شد. در بخش کمی، میزان مطابقت یافته‌های کدگذاری با مستندات و میزان تناسب یافته‌ها با مؤلفه‌ها به وسیله ۱۱ متخصص و میزان مطابقت روابط میان یافته‌ها به صورت مجموع با مستندات به وسیله ۵ متخصص با محاسبه شاخص روایی محتوایی، روایی سنجی شد. در پایان مدل نهایی فرآیندی مرکزیت بخشی نابهنجار به خود ترسیم شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب شرایط علی مشترک عدم شناخت خود یا جایگاه آن، عدم شناخت خداوند یا جایگاه او و خوددوست‌داری ذاتی از

۱- m.hafwzi1@gmail.com

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا موسسه اخلاق و تربیت قم.

۲- hamidrafi2@gmail.com

۲- استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

۳- ab.ayenehchi@yahoo.com

۳- استادیار مرکز تحقیقات زن و خانواده قم.

یک سو به صورت مستقل منجر به مؤلفه خودرضایتی شده و از سوی دیگر با ترکیب شرایط علی اختصاصی دنیادوستی، خودکم‌بینی، علاقه ذاتی به دیده شدن و بی‌نهایت‌طلبی ذاتی، سه مؤلفه‌ی خودبرتری، خودنمایشی و خودفرونی را بوجود می‌آورند. همچنین هریک از مؤلفه‌های مذکور، خود به وجود آورنده‌ی پیامدهایی شناختی- رفتاری می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: خود، خودبینی، نابهنجاری، خودمحوری، خودخواهی، خودشیفتگی، فرآیندی.



مقدمه

شناخت مفهوم «خود»^۱ همواره یکی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان آکادمیک بوده است. این موضوع به دلیل اهمیت آن در جنبه‌های مختلف روان‌شناسی، به‌ویژه در حوزه‌ی آسیب‌شناسی که مشکلات رفتاری و اختلالات روان‌شناختی را به «خود» به‌منزله‌ی هسته‌ی مرکزی شخصیت نسبت می‌دهد، مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (قربانی، فرامرز و واتسن^۲، ۲۰۰۵؛ قربانی و واتسن، ۱۳۸۴). در سال‌های اخیر، مراکز علمی دنیا (از جمله انجمن کانادایی بهداشت روانی) سلامت روان را در سه بخش تعریف کرده‌اند که یکی از آن‌ها بازخوردهای مربوط به خود است (گنجی، ۱۳۹۳: ص ۱۳). ماری جاهودا^۳ که بیشترین پژوهش‌ها را در زمینه‌ی سلامت روان انجام داده، سلامت روان را در شش زمینه تعریف کرده است که اولین آن‌ها نگرش‌های فرد به خود است (سالاری‌فر، شجاعی، موسوی‌اصل و دولتخواه، ۱۳۹۰: ص ۱۳).

توجه نابهنجار^۴ به خود نیز همواره مورد توجه و بررسی روان‌شناسان در شاخه‌های مختلف قرار گرفته است.

در شاخه‌ی روان‌شناسی شخصیت، به‌عنوان نمونه آلپورت^۵ (۱۹۶۱: ص ۲۸۵) مرحله‌ی نهایی رشد بهنجار، یعنی شخصیت سالم را برحسب شش ویژگی یا معیار وصف می‌کند که اولین آن عبارت از گسترش احساس خود است؛ یعنی انسان سالم، حس خود را به اشخاص و فعالیت‌های فراتر از خود گسترش می‌دهد. در مقابل انسانی که رشد بهنجار نداشته باشد، فردی خودمحور می‌شود که تمام توجه او را فقط خودش در برمی‌گیرد. آیزینک^۶ بُعدی را به عوامل شخصیتی افزود و آن را روان‌پریشی‌خویی^۷ نام نهاد. افراد دارای نمره‌ی بالا در این بعد، افرادی خودمحور، ستیزه‌جو و بی‌توجه به دیگران‌اند و با

1. Self
2. Watson, PJ.
3. Jahoda, M.
4. Abnormal
5. Allport, G, W.
6. Eysenck, H.
7. Psychoticism

آداب‌ورسوم موردقبول جامعه در تضاداند (برگر^۱، ۱۹۹۳: ص ۲۶۴). فرانکل^۲ ویژگی شخصیتی «ازخودفراروندگی^۳» را برای انسان سالم مطرح کرد؛ به این معنا که سالم بودن انسان به حرکت مداوم به‌سوی فراتر از خود رفتن و توانایی ایثار و دریافت عشق است. در مقابل فرد نابهنجار مشغولیت به هرگونه خودمحوری روان‌آزرده دارد (فرانکل، ۱۳۹۷: صص ۸۷-۸۸)؛ هیلمن^۴، ۲۰۰۴: ص ۳۶۱). هورنای^۵ یکی از گرایش‌های روان‌رنجور که مطرح کرد حرکت علیه مردم یا همان «شخصیت پرخاشگر^۶» بود. از نگاه این افراد دستیابی به کنترل و برتری به‌قدری برای زندگی آن‌ها مهم است که همواره باید در سطح بالا عمل کنند. آن‌ها می‌کوشند نمونه شوند و به شهرت برسند و وقتی دیگران برتری آن‌ها را تأیید می‌کنند، ارضا می‌شوند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷: صص ۲۴۴-۲۴۵). فروم^۷ (۱۳۹۷: صص ۷۹-۸۱) یکی از منش‌های اجتماعی رایج در جوامع امروزی که از سنخ‌های ناسالم هستند افراد دارای جهت‌گیری بهره‌کش^۸ دانسته است. این افراد دارای ویژگی‌های توصیفی منفی چون پرخاشگری، تکبر، خودمحوری، فریبکاری و از خودراضی هستند. نمونه‌هایی از جهت‌گیری بهره‌کش، دسته‌های مهاجم و رهبران فاشیست هستند که آشکارا دوست دارند بر دیگران مسلط و برتری پیدا کنند.

در شاخه روان‌شناسی رشد، آلپورت نوزاد را به‌صورت موجودی کاملاً لذت‌جو، مخرب، ناخوشایند، خودخواه و وابسته وصف می‌کند که در مرور زمان، به فرد سالم و بهنجار تبدیل می‌شود (برگر، ۱۹۹۳: ص ۱۸۷). همچنین آلپورت معتقد بود اگر مادر نیاز به محبت و ایمنی را در کودک ارضا کند، شخصیت سالم به‌تدریج نمایان می‌شود؛ اما در موردی که نیازهای ذکر شده خنثی یا ناکام شده‌اند، رشد روانی متوقف شده، کودک

1. Burger, J.
2. Frankl, V.
3. Self Transcendence
4. Hillmann, M.
5. Horney, K.
6. Aggressive personalities
7. Fromm, E.
8. Exploitative

نامطمئن، پرخاشگر، متوقع، حسود و کاملاً خودمحور می‌شود. چنین شخصی به عقیده‌ی آلپورت، بیمار تلقی می‌شود (هیلر و زیگلر^۱، ۱۹۹۲: ص ۲۴۸).

در حوزه آسیب‌شناسی روانی نیز به موضوع خود؛ به‌خصوص خودمحوری نابهنجار توجه شده است. مزلو^۲، شکست در برآورده کردن نیاز به عشق^۳ را یکی از علت‌های بنیادی اختلالات روانی می‌داند. افراد دارای نیاز پیوندجویی زیاد، وقتی که با دیگران رابطه برقرار می‌کنند، از تعارض اجتناب می‌ورزند، خودخواه نیستند، بلکه از حس همکاری برخوردارند. درحالی که افرادی که در برطرف کردن این نیاز شکست می‌خورند، تنها افکار، احساسات و نیازهای فردی خودشان را می‌شناسند (هال، لینزی، کمپل^۴، ۱۹۹۸: ص ۱۸۳). مفهوم خودشیفتگی^۵ نیز به‌طور گسترده به‌عنوان یک اختلال شخصیت هم در مفهوم بالینی و هم در مفهوم روان‌شناسی اجتماعی از اواخر قرن هجدهم مورد بررسی قرار گرفته است (کمپل و فاستر^۶، ۲۰۰۷؛ به نقل از شفیع‌ی و صفاری نیا، ۱۳۹۰). از ویژگی‌های تشخیصی اختلال شخصیت خودشیفته^۷ در دی اس ام-۵^۸ عبارت است از وجود الگوی فراگیر خودبزرگ‌بینی و تکبر، خودمحوری، بزرگ جلوه دادن دستاوردهای خود، اغلب مغرور و پرمدعا و متظاهر به نظر رسیدن، توجه خواهی؛ به معنای تلاش‌های مفرط برای جلب کردن توجه دیگران و کانون توجه آن‌ها بودن، تحسین خواهی (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۵: ص ۱۱۲۰). از دیگر اختلالات مرتبط مطرح شده، اختلال شخصیت نمایشی^۹ است. این اختلال با رفتار پر زرق و برق و نمایشی‌وار و برون‌گرایانه در اشخاص هیجانی و تحریک‌پذیر مشخص است. این افراد اگر در کانون توجه قرار نگیرند، احساس ناراحتی می‌کنند. بیان و هیجان‌ناشان مبالغه‌آمیز و توأم با خودنمایی است. وقتی کانون توجه

1. Heller, D., & Ziegler, J.
2. Maslow, A.
3. Love need
4. Hall, C. Lindzey, G. & Campbell, J. B.
5. Narcissistic
6. Foster, J. D. & Campbell, W. K.
7. Narcissistic personality disorder
8. DSM-5: Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders
9. Histrionic personality Disorder

نباشند و مورد تعریف و تمجید قرار نگیرند، ممکن است حملات کج‌خلقی و گریه و زاری به راه انداخته و دیگران را متهم سازند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۵: ص ۶۴۰). همچنین یکی از ویژگی‌های اصلی طیف اسکیزوفرنی و اختلالات روان‌پریشی دیگر، هذیان‌های بزرگ‌منشی عنوان شده است. هذیان‌ها عقاید ثابتی هستند که با وجود شواهد مغایر، پذیرای تغییر نیستند. محتوای آن‌ها می‌تواند انواع موضوعات را در برداشته باشد. هذیان‌های بزرگ‌منشی یعنی زمانی که فرد باور دارد توانایی‌ها، ثروت یا شهرت استثنایی دارد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۶: ص ۱۲۳). اختلال دیگر مرتبط، اختلال لجاجی و نافرمانی^۱ است. این افراد، زودرنج، خشمگین، متخاصم، کینه‌توز، حق‌به‌جانب و خودبین و خودمحور هستند و به‌جای اینکه خود را علت مشکلاتشان بدانند، دیگران را سرزنش می‌کنند یا تأکید دارند که قربانی شرایط هستند (ویتبورن و هالجین، ۱۳۹۷: ج ۲، ص ۱۰۷). اختلال مطرح دیگر که می‌توان مرتبط با توجه نابهنجار به خود برشمرده اختلال ذخیره کردن^۲ است. در وسواس عملی معروف به اختلال ذخیره کردن افراد مشکلات مداومی در دور انداختن اموال خود و دل‌کندن از آن‌ها دارند، حتی اگر ارزش چندانی نداشته باشند. این مشکلات هر نوع دور انداختن، از جمله ریختن چیزها در سطل زباله را شامل می‌شوند (ویتبورن و هالجین، ۱۳۹۷: ج ۱، ص ۲۸۵-۲۸۶).

خود و توجه نابهنجار به آن در منابع اسلامی و در آثار متفکران مسلمان نیز مطرح شده است و اساساً از نظر اسلام نیز، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های سلامت روان، مناسبات انسان با خودش است (شجاعی، ۱۳۸۹: ص ۶۵) و نوع نگرش به خود می‌تواند بهنجار یا نابهنجار باشد.

در واقع، رویکرد اسلامی به روابط فرد با خود، خدا، دیگران و طبیعت اهمیت می‌دهد؛ و از جمله مهم‌ترین علل اختلال روانی را رابطه‌ی ناسالم فرد با خود می‌داند. یکی از دو محور کلی نظام آسیب‌های روانی در چارچوب روان‌شناسی دینی، اختلالات شخصیت

1. Oppositional defiant behavior
2. Hoarding disorder

مانند خودپسندی، غرور، تکبر و خودبزرگ‌بینی است که از آن‌ها به‌عنوان اختلالاتی به‌مراتب شدیدتر از بیماری‌های عمومی روانی مانند صرع یاد شده است (شجاعی، ۱۳۸۹: ص ۴۲۴).

مفاهیم مربوط به توجه نابهنجار به خود به‌صورت کلی و نه تحت عناوین خاص در آثاری از پژوهشگران اسلامی (مانند فتاحی، ۱۳۷۲؛ امینی، ۱۳۷۵: ص ۱۱۰؛ مطهری، ۱۳۷۷: ج ۲۸، ص ۲۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ص ۱۵۳؛ عباس‌نژاد، ۱۳۸۴: ص ۲۹۸؛ موسوی لاری، ۱۳۸۷: ص ۲۰۶؛ شجاعی، ۱۳۸۹؛ سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۰؛ موسوی لاری، ۱۳۹۱؛ خمینی، ۱۳۹۱: ص ۷۹؛ محمدآباد و محمدآباد، ۱۳۹۴) و تحت عنوان ردائل اخلاقی مانند عجب، کبر، ریا، حرص در آثار اندیشمندان مسلمان (مانند نراقی، ۱۳۷۸؛ خمینی، ۱۳۸۴؛ غزالی، ۱۳۸۶؛ مظاهری، ۱۳۹۲؛ تهرانی، ۱۳۹۵) بررسی شده است؛ این آثار در عین اینکه به‌صورت کلی و با نگاه اخلاقی به این مفاهیم پرداخته‌اند؛ در صدد کشف یک سازه زیر بنایی و مشترک بین این مفاهیم نبوده و به‌صورت جداگانه و تک تک به خرده مفاهیمی از این مفهوم پرداخته‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد؛ در این پژوهش محقق درصدد است با بررسی مفاهیم تبیین‌کننده جنبه‌ی نابهنجار توجه به خود در منابع اسلامی، به کشف سازه‌ی روانی اصلی‌تر و زیربنایی‌تر از مفاهیم موجود به‌وسیله ایجاد مدل مفهومی فرآیندی^۱ پرداخته و میزان روایی آن مدل را بسنجد.

مفاهیمی در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت که دارای دو ویژگی باشند: ۱- در آن مفاهیم توجه به خود وجود داشته باشد. ۲- آن مفاهیم از نگاه اسلامی نابهنجار باشد و اسلام از متعلق شدن به این مفاهیم نهی کرده باشد. همچنین مؤلفه‌های فرآیندی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مؤلفه‌های فرآیندی به «چگونگی» مفهوم مربوط می‌شود

و مکانیزم‌های روان‌شناختی هستند که اجزای آن را به هم پیوند می‌زنند (سید و مکین^۱، ۲۰۱۴: ص ۵۶۹).

روش پژوهش

پژوهش حاضر، به دو روش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، ابتدا واژگان مرتبط با توجه نابهنجار به خود با استفاده از روش حوزه‌های معنایی جمع‌آوری شد. در این پژوهش، واژگان مربوط به دو ملاک کلی توجه به خود داشتن و مورد نپی اسلام بودن (به‌عنوان دو ملاک کلی ورود به مفاهیم دینی برای مطالعه موضوع مرکزیت‌بخشی نابهنجار به خود) از فهرست کتب روایی، اخلاقی، لغوی و فرهنگ‌های جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی با استفاده از اصول تبعی معناشناسی زبانی در روش حوزه‌های معنایی جمع‌آوری شدند. بر این اساس، ۱۳۴ کلیدواژه به زبان عربی، ۱۰۲ کلیدواژه به زبان فارسی و ۲۶ کلیدواژه به زبان انگلیسی (ساعتچی، پروجردی و اسدی، ۱۳۹۰؛ فیروزبخت، ۱۳۸۹) مرتبط با بحث یافت شد. سپس محقق با استفاده از کتاب میزان الحکمه که جهت ساختارمند شدن مطالعات خود به سراغ آن رفته بود، به‌وسیله کلیدواژه‌های یافت شده ۷۹ باب مرتبط اولیه با دو ملاک کلی (که قبلاً اشاره شد) را از این کتاب برگزید. روایات این ابواب که بالغ بر ۳۱۰۵ روایت بود به‌وسیله نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع^۲ در حجم نمونه (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷) انتخاب؛ به‌طور کامل مورد مطالعه و در دو مرحله غربال شد. مرحله اول که غربال به‌واسطه ضعف کتاب صورت گرفت منابع روایی از کتب درجه الف و ب انتخاب شدند (طباطبایی، ۱۳۹۰: صص ۲۶۵-۲۸۵). عموماً آثار متأثر از پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) و آثار منقول علمای تا سده پنجم هجری هم چون شیخ کلینی، شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، شیخ طبرسی و سید رضی از جمله منابع درجه الف و ب به شمار می‌آیند (طباطبایی، ۱۳۹۰: صص ۲۶۵-۲۸۵). این غربال منجر به حذف ۹۴۳ روایت و باقی ماندن ۲۱۶۲ روایت برای بررسی‌های بعدی شد. در مرحله دوم

1. Syed, M., McLean, K.

2. Saturation

که غربال به‌واسطه عدم ارتباط کامل مفهومی با دو ملاک ذکر شده پژوهش بود، ۱۶۸۴ روایت حذف و ۴۷۸ روایت به‌عنوان احادیث برگزیده نهایی برای تحلیل انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری روایات برگزیده، برای تحلیل روایات، از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانون (۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی استفاده شد. از نگاه سیه و شانون (۲۰۰۵) تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره پدیده‌ی مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهش‌گران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته^۱ می‌پرهیزند و در عوض ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ انجام شده است (گلیسر و اشتراوس، ۱۹۶۷). در مرحله کدگذاری باز، ۶۲۰ کد حاصل شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که بر چسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین،^۵ ۱۹۹۰). واحد تحلیل^۶ مورد استفاده در کدگذاری این پژوهش، مضمون است. واحد تحلیل در تحلیل محتوا به بخش‌هایی از متن گفته می‌شود که جدا و رمزگذاری می‌شود. (وبر،^۷ ۱۹۹۰؛ به نقل از مومنی‌راد، علی‌آبادی، فردانش و مزینی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر نیز، معیار تفکیک هر شماره در جدول کدگذاری باز، رساندن یک کد معنایی مرتبط با موضوع بوده است؛ به طوری که ممکن است یک جمله حاوی چندین کد معنایی باشد و در چند جا تکرار شده باشد. در کدگذاری محوری کدهای مرحله‌ی قبل با یکدیگر مقایسه؛ موارد مشابه و مرتبط با یکدیگر ادغام و سپس به هر کدام عنوان مناسبی اطلاق گردید. ۱۵ کد محوری شکل گرفت. کدگذاری انتخابی نیز

1. Preconcieved Categories
2. Open Coding
3. Axial Coding
4. Selective Coding
5. Strauss, A. & Corbin, J.
6. Unit Of Analysis
7. Weber, R.P.

در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول ۳ مقوله عمده (مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها) استخراج شد. در مرحله دوم ۱ مقوله هسته به نام مرکزیت نابهنجار به خود انتخاب شد. سپس پس از ادغام شرایط علی مشترک میان مؤلفه‌ها، روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها سنجیده و مدل فرآیندی طراحی شد.

در بخش کمی، ابتدا طبق فرمی «روایی محتوایی»^۱ یافته‌ها با استفاده از روش ارزیابی نظرات کارشناسان به‌وسیله ضریب «شاخص روایی محتوا»^۲ سنجیده شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، متخصصان روان‌شناسی و اسلام در شهر قم بودند که در تحصیلات آکادمیک روان‌شناسی دارای تحصیلات عالی (مدرک تخصصی دکترا) و در تحصیلات حوزوی در سطوح خارج (تحصیلات سطح سوم و چهارم) مشغول یا فارغ‌التحصیل بودند. به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی^۳ انتخاب شدند. طبق پیشنهاد لین^۴ (۱۹۸۶؛ به نقل از پولیت و بک^۵، ۲۰۰۶) کمترین تعداد کارشناسان باید سه نفر باشند و بیشتر از ده نفر نیز ضرورت ندارد. در این بخش، در مرحله اول، برای اطمینان بیشتر از تعداد ۱۱ کارشناس طبق فرم‌هایی در دو سؤال مجزا خواسته شد تا نظرات کارشناسی خود را ابراز کنند. در سؤال اول تحت یک لیکرت چهار درجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آن‌ها خواسته شد تا میزان مطابقت هر یک از یافته‌های کدگذاری محوری را با مستندات (که در کدگذاری باز آمده بود) بیان کنند. در سؤال دوم تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آن‌ها خواسته شد تا تناسب یا عدم تناسب هر یک از یافته‌های کدگذاری محوری را با مقولات عمده در کدگذاری انتخابی ابراز کنند. در مرحله دوم طبق فرم‌های دیگری، تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از ۵ متخصص خواسته شد تا نظرات خود را پیرامون میزان مطابقت روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی و

-
1. Content validity
 2. Content Validity Index
 3. Snowball sampling
 4. Lynn, M. R
 5. Polit, D. F., and Beck, C. T.

پیامدها به صورت مجموعی با مستندات بیان کرده و شاخص روایی محتوایی این روابط نیز سنجیده شد. در پایان مدل نهایی فرآیندی مرکزیت بخشی نابهنجار به خود ترسیم شد.



شکل ۱: چارت روند مراحل پژوهش

یافته‌ها

به علت حجم گسترده جداول کدگذاری‌های باز و عدم امکان انتشار آن در مقاله، در این بخش تنها جداول کدگذاری‌های محوری و انتخابی و شماره کدگذاری‌های باز نمایش داده می‌شود. همچنین به علت اینکه هدف نهایی این پژوهش ترسیم مدل فرآیندی و در واقع نمایش چگونگی روابط کلی میان مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدهاست از ذکر یافته‌های جزئی‌تر همچون تفصیل مؤلفه‌ها (نشانه‌ها) و پیامدها پرهیز می‌گردد.

جدول شماره ۱- جدول تجزیه و تحلیل اطلاعات با کدگذاری سه مرحله‌ای

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری	شماره کدهای باز
مقوله هسته	مقولات عمده		
مرکزیت بخشی نابهنجار به خود	مؤلفه‌ها	خود رضایتی	۴۴-۱
		خود برتری	۱۳۲-۴۵
		خودنمایشی	۲۱۹-۱۳۳
		خودفرونی	۲۸۸-۲۲۰
	شرایط علی	عدم شناخت خود یا جایگاه آن	۳۲۰-۲۸۹
		عدم شناخت خداوند یا جایگاه او	۳۵۹-۳۲۱
		خوددوست‌داری	۳۷۸-۳۶۰
		خودکم‌بینی	۳۸۵-۳۷۹
		بی‌نهایت‌طلبی	۳۹۸-۳۸۶
		علاقه به دیده شدن	۴۰۵-۳۹۹
		دنیا دوستی	۴۲۶-۴۰۶
		علل خارجی	۴۴۳-۴۲۷
	پیامدها	در رابطه با خداوند	۴۵۴-۴۴۴
		در رابطه با انسان‌ها	۵۰۸-۴۵۵
		در رابطه با خود	۵۲۶-۵۰۹

در بخش کمی، در مرحله اول به علت حجم گسترده کدگذاری‌های باز، محقق گزیده و خلاصه‌ای از مستندات و استدلال‌های مربوط به هر مؤلفه، شرط علی یا پیامد را به سمع و نظر کارشناسان رساند.

یافته‌های دو مرحله بخش کمی، در ادامه در جدول شماره ۲ و ۳ می‌آید:

جدول شماره ۲- مرحله اول کمی: میانگین شاخص روایی محتوایی یافته‌های تأیید شده سازه

مؤلفه‌ها	CVI-۱ میزان مطابقت هر مؤلفه با مستندات	CVI-۲ میزان تناسب کدگذاری محوری با مقولات عمده
خود رضایتی	۰/۸۸	۰/۸۶
خود برتری	۰/۸۹	۰/۸۹
خودنمایی	۰/۹۰	۰/۹۰
خود فزونی	۰/۹۱	۰/۹۱
میانگین کل	۰/۸۹	۰/۸۹
شرایط علی	CVI-۱ میزان مطابقت شرایط علی با مستندات	CVI-۲ میزان کدگذاری محوری با مقولات عمده
عدم شناخت خود یا جایگاه آن	۰/۹۷	۰/۹۷
عدم شناخت خداوند یا جایگاه او	۰/۹۵	۰/۹۵
خوددوست داری ذاتی	۰/۹۷	۰/۹۷
دنیادوستی	۰/۹۶	۰/۹۶
خودکم‌بینی	۰/۸۱	۰/۸۱
علاقه ذاتی به دیده شدن	۰/۹۰	۰/۹۰
بی نهایت طلبی	۱	۰/۹۰
میانگین کل	۰/۹۶	۰/۹۲
پیامدها	CVI-۱ میزان مطابقت پیامدها با مستندات	CVI-۲ میزان کدگذاری محوری با مقولات عمده
میانگین کل	۰/۹۳	۰/۹۱

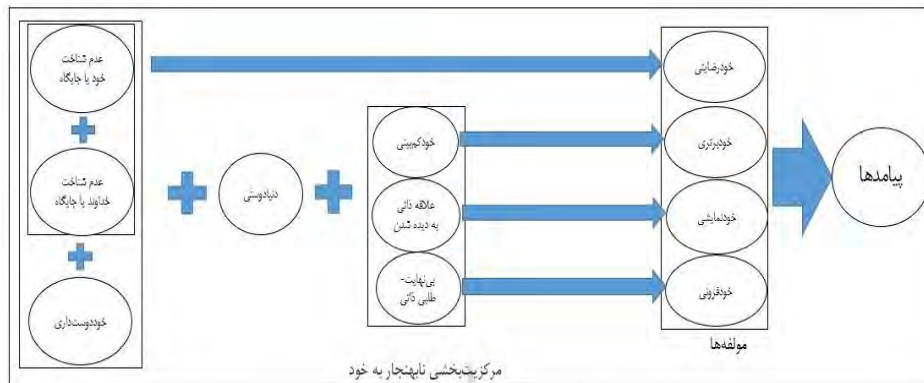
جدول شماره ۳- مرحله دوم کمی: شاخص روایی محتوایی روابط میان یافته‌ها

یافته‌ها	CVI میزان مطابقت روابط میان یافته‌ها با مستندات
رابطه علل مؤلفه خودرضایتی با آن مؤلفه	۱
رابطه علل مؤلفه خودبرتری با آن مؤلفه	۰/۸
رابطه علل مؤلفه خودنمایشی با آن مؤلفه	۰/۸
رابطه علل مؤلفه خودفرونی با آن مؤلفه	۱
رابطه پیامدها با مؤلفه‌ها	۱

طبق این محاسبه، تنها در مرحله اول، تنها برخی نشانه‌های جزئی در هریک از مؤلفه‌ها نمره کافی را نیاورده و حذف شدند که اختلالی در تأیید اصل مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها ایجاد نکرد. در مرحله دوم نیز میزان مطابقت روابط میان مؤلفه‌ها، شرایط علی و پیامدها به صورت مجموعی (در مدل فرآیندی) با مستندات به تأیید کارشناسان رسید.

با توجه به تاییدات کارشناسان، در نمودار شماره ۲ مدل مفهومی نهایی ساختاری مرکزیت بخشی نابهنجار به خود ترسیم شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مدل از دوازده جزء برای مرکزیت بخشی نابهنجار به خود تشکیل شده است که هفت دایره آن اشاره دارد به شرایط علی (عدم شناخت خود یا جایگاه آن، عدم شناخت خداوند یا جایگاه او، خوددوست‌داری، دنیادوستی، خودکم‌بینی، علاقه ذاتی به دیده شدن، بی‌نهایت‌طلبی ذاتی) و چهار دایره آن اشاره دارد به مؤلفه‌ها (خودرضایتی، خودبرتری، خودنمایشی و خودفرونی) و یک دایره اشاره دارد به پیامدها. حاصل تجزیه این مدل آن است که هرکدام از این مؤلفه‌ها (خودرضایتی، خودبرتری، خودنمایشی و خودفرونی) متوقف بر وجود شرایط علی‌ای هستند که در سمت چپ آن مفهوم از آن‌ها نام برده است. به‌عنوان نمونه: مؤلفه خودرضایتی متوقف بر وجود سه علت است (عدم شناخت جایگاه خود یا جایگاه آن، عدم شناخت جایگاه خداوند یا جایگاه او، خوددوست‌داری) که در سمت چپ آن آمده است. یا مؤلفه خودبرتری متوقف بر پنج علت است (عدم شناخت خود یا جایگاه آن، عدم شناخت خداوند یا جایگاه او، خوددوست‌داری، دنیادوستی، خودکم‌بینی) که در

سمت چپ آن آمده است. همچنین پیامدها مفاهیمی پسینی هستند که پس از شکل‌گیری مؤلفه‌ها، ایجاد شده و در انتهای مدل آورده شده است.



نمودار ۲- مدل فرآیندی سازه مرکزیت‌بخشی نابهنجار به خود

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که ترکیب شرایط علی مشترک عدم شناخت خود یا جایگاه آن، عدم شناخت خداوند یا جایگاه او و خوددوست‌داری ذاتی از یک سو به صورت مستقل منجر به مؤلفه خودرضایتی شده و از سوی دیگر با ترکیب شرایط علی اختصاصی دیناوستی، خودکم‌بینی، علاقه ذاتی به دیده شدن و بی‌نیازیت‌طلبی ذاتی، سه مؤلفه‌ی خودبرتتری، خودنمایشی و خودفزونگی را به وجود می‌آورند. همچنین هر یک از مؤلفه‌های مذکور نیز، خود به وجود آورنده‌ی پیامدهایی شناختی-رفتاری می‌باشند.

در ادامه به تبیین و توضیح یافته‌ها پرداخته می‌شود: برخی مفاهیم در روان‌شناسی را می‌توان متناظر و همسو با مفهوم خودرضایتی دانست. در اختلال شخصیت خودشیفته علائمی مانند احساس شدید خودمهم‌بینی، تخیلات شدید و دائمی درباره موفقیت، بزرگ جلوه کردن استعدادها و پیشرفت‌ها برای خود، عدم تحمل انتقاد منفی از دیگران (شاملو، ۱۳۹۷: ص ۲۴۴) را می‌توان مشابه با نشانه‌های خودرضایتی دانست. یا در مفهوم

خودمجدوبی خصوصی^۱ که نوعی خودآگاهی ناسازگارانه با توجه مفراط، مداوم و انعطاف‌ناپذیر به اطلاعات ناشی از منابع درونی است (اینگرام^۲، ۱۹۹۰) علائمی همچون توجه درونی مفراط و مداوم به خود، افکار افراطی درباره خود (مک کنزی و هویل^۳، ۲۰۰۸) را می‌توان متناظر با خودرضایتی دانست. آلپورت و ویژگی ارتباط صمیمانه خود با دیگران را برای شخصیت سالم مطرح کرد. در مقابل فرد نابهنجار را شخصی می‌دانست که تنها خود را به صورت انحصارطلبانه دوست داشته و از خودراضی باشد. او نوزاد را به صورت موجودی کاملاً خودپسند و وابسته وصف می‌کرد که به تدریج به فرد سالم و بهنجار تبدیل می‌شود (برگر^۴، ۱۹۹۳: ص ۱۸۷). او معتقد بود در صورت عدم ارضای نیاز به محبت و ایمنی در کودک، او فردی نامطمئن، پرخاشگر، حسود و کاملاً از خودراضی می‌شود (هیل و زیگلر^۵، ۱۹۹۲: ص ۲۴۸). چهارمین ویژگی‌ای که مزلو (۱۹۷۰) برای افراد خودشکوف نام برد علاقه‌ی آن‌ها به مشکلات خارج از خودشان به جای تمرکز بر خودشان است. برعکس این افراد، چارچوب داوری اشخاص فاقد خودشکوفایی، متمرکز بر خودشان است و تماماً کارهایی انجام می‌دهند که دوست دارند انجام بدهند. کارهای شخصی و خودپسندانه محور اصلی فعالیت‌های این افراد به جای خیرخواهی برای دیگران می‌باشد (مزلو، ۱۳۷۶: صص ۲۱۶-۲۴۲). دایر^۶ (۱۳۸۲: ص ۸) کنار گذاشتن خودپسندی و منیت، خشنود کردن دیگران و خدمت کردن بدون چشمداشت را از هنجارهای اخلاقی و رفتاری دانسته و بر این باور است انسان‌ها می‌توانند بر خلق و خوی نفسانی و زمینی خود غلبه کنند. مفهوم دیگر «خودگرایی روان‌شناختی» نظریه‌ای است درباره انگیزه کارها و رفتارهای انسان و مدعی است که همه امیال غایی انسان‌ها خودمحور هستند (سبر^۷، ۲۰۰۰). از این نظر، تنها چیزی که هرکس قادر به خواستن یا طلبیدن آن است در نهایت همان

1. Private self-absorption
2. Ingram, R. E.
3. McKenzie, K. S & Hoyle, R. H.
4. Burger, J.
5. Hjelle, L. and Ziegler D. J.
6. Dyer, W. W.
7. Sober, E.

منافع شخصی خود اوست و اساساً به لحاظ روانی نمی‌تواند کاری انجام دهد که به نفع شخصی خودش نباشد (فاینبرگ^۱، ۲۰۱۳). البته خودپسندی و خودمحوری در این نظریه توصیفی از انگیزه‌های انسان است و مفهومی بهنجار یا نابهنجار تلقی نمی‌شود. در نوجوانان نیز ال‌کاینده^۲ (برک، ۱۳۹۷: ص ۵۰) مفهومی به نام افسانه شخصی را مطرح کرد. البته این مفهوم بخشی از رشد بهنجار نوجوان را شکل می‌دهد. به معنای عقیده کاذب درباره اهمیت خود است و فرد تا جایی از خودراضی شده که احساس می‌کند استثنایی و منحصر به فرد است و اتفاقاتی که برای دیگران می‌افتد او را تهدید نمی‌کند. یافته‌های پیرامون مؤلفه خودرضایتی، با پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان نیز همسو است. نشانه‌های نسبت دادن کمال به خود، بزرگ جلوه کردن کمال برای خود، سرور به واسطه کمال منسوب به خود، تکیه به کمال منسوب به خود، از خودراضی و خودپسند بودن، انتقاد نکردن از خود، منت گذاشتن بر خداوند و طلبکار بودن از خداوند در مؤلفه خودرضایتی را می‌توان در تعاریف و جمع‌بندی اندیشمندان مسلمان (مانند فیض کاشانی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۷۷؛ نراقی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۵؛ غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۷۴۰؛ شیخ بهائی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۰؛ ارزانی و آخوندی‌یزدی، ۱۳۹۱؛ شبر، ۱۴۲۹، ص ۱۶۳؛ مسعودی، ۱۴۳۱، ص ۱۹۵) از مفهوم عجب ملاحظه و مشاهده کرد.

همچنین برخی مفاهیم در روان‌شناسی را نیز می‌توان متناظر و همسو با مؤلفه خودبرتری دانست. یکی از این مفاهیم عقده برتری آدلر^۳ به معنای برانگیختن برای جبران مفرد احساس حقارت می‌باشد. فرد دچار شده به عقده برتری، درباره‌ی توانایی‌های جسمانی، عقلی یا اجتماعی خود دچار اغراق می‌شود. در واقع این فرد، برای غلبه بر احساس حقارت طبیعی خود بیش از حد لازم کوشیده است و دچار این حالت متکبرانه شده است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷: ص ۱۶۹). از نگاه آدلر این فرد، انسانی مغرور، خودبین و خودمحور و

-
1. Feinberg, J.
 2. Elkind, D.
 3. Adler, A.

متماایل به بدنام ساختن دیگران است (انسباچر و انسباچر^۱، ۱۹۵۶، ص ۲۶۱). یکی دیگر از مفاهیم مرتبط با خود برتری، مفهوم عدم «علاقه‌ی اجتماعی»^۲ آدلر می‌باشد. افراد فاقد علاقه اجتماعی که از نگاه آدلر شاخص بهنجاری را دارا نمی‌باشند، اشخاصی خودمحور هستند که برای قدرت و برتری شخصی بر دیگران تلاش می‌کنند. یکی از تیپ‌های فاقد علاقه اجتماعی با سبک زندگی اساسی که آدلر مطرح کرد تیپ سلطه‌جو^۳ بود که تنها به فکر خود بودن، کم اهمیت دادن به دیگران و باور و اظهار برتری بر دیگران از مشخصه‌های این افراد می‌باشد (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷: صص ۲۰۱-۲۰۲). مفهوم دیگر «خودانگاره»^۴ آرمانی «هورنای می‌باشد. این خودانگاره، صرفاً یک احساس کاذب و توهم‌گونه از غرور و ارزشمندی به فرد القاء می‌کند. خودانگاره‌ی آرمانی تلاش برای حل کردن تعارض‌ها به وسیله‌ی ترسیم تصویری خداگونه از خویش است. غرور روان‌شناسی یکی از جنبه‌های خودانگاره‌ی آرمانی‌ای بود که هورنای (۱۹۵۰) مشخص کرد. غرور کاذب که بر نظر واقع‌بینانه نسبت به خود واقعی استوار نیست، بلکه بر پایه‌ی تصویری نادرست از خود آرمانی قرار دارد. افراد روان‌رنجور خود را با شکوه، استثنایی و عالی تصور می‌کنند، بنابراین، وقتی دیگران با عنایت خاصی با آن‌ها برخورد نمی‌کنند، غرور روان‌رنجور آن‌ها جریحه‌دار می‌شود (فیست، فیست و رابرتس، ۱۳۹۴: ص ۲۶۱) همچنین هورنای شیوه برتری‌طلبی کودک را برای مصونیت از آزار دیگران مطرح کرد که در آن کودک تمایلات و حالات خشن و گستاخانه‌ای را در خود می‌پرورد. در اتخاذ این روش کودک به ناچار صفات و شخصیت فرد برتری‌طلب را پیدا می‌کند (هورنای، ۱۳۹۷: ص ۱۰). یکی دیگر از گرایش‌های روان‌رنجور که هورنای مطرح کرد «شخصیت پرخاشگر»^۵ یا حرکت علیه مردم بود. این افراد معتقدند که زندگی جنگلی است که در آن برتری، توانمندی و بی‌رحمی امتیازات بسیار مهمی هستند. آن‌ها خشن و سلطه‌جویانه عمل می‌کنند و به

1. Ansbacher, H.L., and Ansbacher, R.R

2. Social interest

3. Dominant type

4. Self-image

5. Aggressive personalities

دیگران توجهی ندارند. دستیابی به کنترل و برتری به قدری برای زندگی آن‌ها مهم است که همواره باید در سطح بالا عمل کنند. این افراد برای رسیدن به برتری و قدرت، دست به هرکاری که لازم باشد می‌زنند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۷: صص ۲۴۴-۲۴۵). مفهوم دیگر مرتبط با خودبرتری که اریک فروم (فروم، ۱۳۶۴: ص ۳۴۲) مطرح کرد عدم ارضای نیاز به ارتباط بود که آن را نشانه‌ی عدم سلامت افراد می‌دانست. این افراد کسانی هستند که با چسبیدن به این عقیده تحریف‌شده که به خاطر ویژگی‌های شخصی استثنایی خود از دیگران برتر هستند، امنیت به دست می‌آورند. چون آن‌ها تصور می‌کنند آنچه دارند بسیار استثنایی است، پس نیازی نمی‌بینند برای اثبات ارزش خودکاری انجام دهند. از جمله مفاهیم دیگری که نقطه مقابل خودبرتری می‌توان برشمرد «بلوغ اجتماعی»^۱ راثو^۲ است. ویژگی این افراد درست برعکس فرد خودبرتر این است که درحالی که برای خود حق و حقوقی قائل هستند برای دیگران نیز همان حقوق را قائل می‌شوند. راثو پرسشنامه‌ای برای این مفهوم ساخت که عامل هفتم این پرسشنامه بیانگر نفع‌طلبی و خودپرستی، عامل هشتم بیانگر خیرخواهی و عامل دهم بیانگر خودبزرگی‌بینی است که تمام این عوامل مستقیماً مرتبط با مفهوم خودبرتری می‌باشند (دالای،^۳ ۱۹۹۹؛ به نقل از هومن، وطن خواه و جهانزاد، ۱۳۹۲). مفهوم بعدی خودبزرگی‌بینی کاذب است که اسلایتر^۴ (۱۹۸۹) مطرح کرد. این مفهوم سبب پرخاشگری مستمر، بزرگ‌منشی، نفوذ و برتری‌طلبی بر دیگران و سرانجام خودشیفتگی بیمارگونه می‌شود (گراور^۵ و دیگران، ۲۰۰۷). پینکاس^۶ و همکاران (۲۰۰۹) یکی از انواع خودشیفتگی را نوع بزرگ‌منشانه آن دانست که در آن علائمی چون بالا بردن تصویر مثبت از خود بدون نیاز به موفقیت‌ها و مهارت‌ها، درگیری در خیال‌پردازی‌های قدرت، برتری و کمال نامحدود، بهره‌کشی بین فردی، فقدان همدلی،

1. Emotional maturation
2. Rao, N.
3. Daili, L.
4. Slyter, S. L.
5. Grover, K. E.
6. Pincus, A. L.

تصویر به وضوح متکبرانه از خود و حسادت شدید را می‌توان همسو با مفهوم خودبرتری دانست. بشمن و بامیستر^۱ (۱۹۹۶) خودشیفتگی را به‌عنوان سرمایه‌گذاری هیجانی یک فرد در «ایجاد برتری خودش» توصیف می‌کنند، درحالی‌که احتمالاً حسی که خودشیفته دارد این است که «هنوز این برتری را به دست نیاورده است». عزت‌نفس به‌عنوان یک ارزشیابی کلی از محاسن فرد می‌باشد، بدون نیاز به اینکه فرد برانگیخته شود که این محاسن را به رخ دیگران بکشد کاری که یک فرد خودشیفته معمولاً انجام می‌دهد. یافته‌های پیرامون مؤلفه خودبرتری، با پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان نیز همسو است. نشانه‌های تحقیر کردن و خوار شمردن دیگران، اهمیت ندادن به درخواست دیگران و کار خود را بر دوش دیگران گذاشتن با پژوهش‌های هراتیان، آگاه هریس و موسوی (۱۳۹۲) همسو است. نشانه‌های سرکشی و نافرمانی در برابر خداوند، حسادت به دیگران و انکار یا عدم شناخت حقیقت در پژوهش‌های عشریه و طاهرپور (۱۳۹۵) تحت عناوین سرپیچی از فرامین الهی، حسادت به دیگران و حق‌ناپذیری از علائم کبر و غرور بر شمرده شده است. همچنین نشانه روی برگرداندن از دیگران و با غرور راه رفتن در پژوهش قدوسی و میدریکوندی (۱۳۹۲) تحت عنوان تکبر در چهره و ظاهر و تکبر رفتاری اشاره شده است.

مفهوم دیگر متناظر و همسو با برخی مفاهیم در روان‌شناسی مؤلفه خودنمایشی دانست. یکی از آن‌ها مفهوم خودابرازگری^۲ لی^۳ می‌باشد. این مفهوم شامل انواع راهبردهایی است که افراد در پیش می‌گیرند تا تصورات دیگران درباره خود را کنترل کنند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. این راهبردها شامل مجموعه رفتارهایی است که قصدشان اثربخشی مثبت و مطلوب اجتماعی روی دیگران از خود با نمایش مثبت بوده، اما گاهی افراد برای رسیدن و دستیابی به اهداف اجتماعی تلاش می‌کنند تا با فریب، وانمود کردن و قربانی کردن دیگران تصویر مثبتی از خود برای دیگران نمایش بدهند (سایینی، ۱۹۹۵؛ به نقل از شهنی بیلاق و نژاد، ۱۳۸۶). مفهوم دیگر که علائم بسیار مشابهی دارد را می‌توان اختلال

1. Bushman, B. J. & Baumeister, R. F.

2. Self-Presentation

3. Lee, S.

شخصیت‌نمایشی^۱ در دی‌اس‌ام-۵ عنوان کرد. این اختلال با رفتار پر زرق‌وبرق و نمایشی‌وار و برون‌گرایانه در اشخاص هیجانی و تحریک‌پذیر مشخص است. این افراد اگر در کانون توجه قرار نگیرند، احساس ناراحتی می‌کنند. بیان و هیجان‌اتشان مبالغه‌آمیز و توأم با خودنمایی است. وقتی کانون توجه نباشند و مورد تعریف و تمجید قرار نگیرند، ممکن است حملات کج خلقی و گریه و زاری به راه انداخته و دیگران را متهم سازند. توجه دیگران چیزی است که آن‌ها نمی‌توانند بدون آن زندگی کنند و مانند دارو به آن نیاز دارند. با جلب توجه کردن نه تنها روابط بین فردی خوبی برقرار می‌کنند بلکه از ارزشمند بودن خودشان مطمئن می‌شوند و اگر توجه دیگران نسبت به غیراز آن‌ها حاکم شود احساس ناراحتی می‌کنند. دوباره خود را در صحنه‌ی نمایش قرار می‌دهند و برای جلب توجه به شیوه‌های مختلف نقش بازی می‌کنند (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۳۹۵: ص ۶۴۰). مفهوم دیگر مشابه خودنمایشی که البته به‌عنوان مفهومی ناهنجار ذکر شده است «خودنمایان‌گری» است. گافمن^۲ (۲۰۰۲: ص ۱۵۷) از اولین کسانی بود که عقیده داشت افراد نیاز دارند در برخورد با دیگران خودشان را شخصی موجه و قابل قبول‌تر از آنچه هستند، نشان دهند. شلنکر^۳ (۱۹۸۰) (به نقل از طهماسبی، غفاری و شبانی، ۱۳۹۳) بیان می‌کند «خودنمایان‌گری»^۴ رفتارهایی است که افراد برای ایجاد، کنترل، نگهداری و حفظ چهره‌ای مطلوب در برخورد با دیگران به کار می‌گیرند. واقع، افراد هنگامی که می‌خواهند چهره‌ی خودشان را در مقابل دیگران مطلوب و قابل قبول نشان دهند، فرآیند «خودنمایان‌گری» را به کار می‌برند. در این مسیر تاکتیک‌های مختلفی را افراد به کار می‌برند. برای مثال، افرادی که می‌خواهند خود را دوست‌داشتنی نشان دهند، بیشتر تاکتیک‌های خودشیرینی، چاپلوسی، شبیه‌سازی، جذابیت‌های فیزیکی و فروتنی را به کار می‌گیرند یا ممکن است افراد نظرهای خود را با نمایش مصنوعی قدرت از طریق پوشش و

1 -Histrionic personality Disorder

2. Goffman, E.

3. Schlenker, B. R.

4. Self-presentation

زیورآلات و وضع ظاهری خود یا ارتباط با افراد دارای قدرت به دیگران منتقل کنند (گواداگنو و سیالدینی^۱، ۲۰۰۷). همچنین مفهوم بهنجار دیگری که مشابه مؤلفه خودنمایشی است مفهوم «تماشاگران خیالی» الکايند است. الکايند دریافت که نوجوان باور دارد که دیگران او را مرکز توجه و تفکر خود قرار داده‌اند و نسبت به ظاهر و رفتار او حساس هستند. این مسئله منجر به شکل‌گیری ساختاری شناختی به نام، «تماشاگران خیالی^۲» در نوجوان می‌شود، تفکری که بر آن اساس، نوجوان معتقد است که همیشه مرکز توجه دیگران است و همیشه و همه‌جا، دیگران در حال قضاوت در امور وی هستند. با این تفکر چگونگی نمایش دادن خود در نزد دیگران برای نوجوان اینقدر اهمیت پیدا می‌کند که ساعت‌ها را صرف واری جزئیات ظاهر خود می‌کند و بسیار نسبت به انتقاد مردم از خود حساس می‌شود (الکايند، ۱۹۶۷). یافته‌های پیرامون مؤلفه خودنمایشی، با پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان نیز همسو است. نشانه‌های خودنمایی رفتاری در میان انسان‌ها، خودنمایی با انواع دارایی‌ها، خودنمایی به خلاف واقعیت درونی، خودنمایی گفتاری (خودستایی)، با مضامین مشابه تحت عناوین دیگری در پژوهش‌ها و آثاری مانند رازی (۱۳۶۶، ج ۹، ص ۱۲۷)، فیض کاشانی (۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۱۱-۲۱۶)، خمینی (۱۳۸۴، صص ۴۸-۵۱)، غزالی (۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۲۱)، ابراهیم‌نژاد (۱۳۸۷)، طوسی (۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۳۳) و شبر (۱۴۲۹، ص ۲۶۵) بیان شده است.

مؤلفه‌ی آخر که می‌توان برخی مفاهیم در روان‌شناسی را متناظر و همسو با آن دانست مؤلفه خودفرونی است. اختلال ذخیره کردن^۳ در دی اس ام-۵ در نشانه‌هایی با خودفرونی مشابهت دارد. افراد مبتلا به این اختلال مشکلات مداومی در دور انداختن اموال خود و دل‌کندن از آن‌ها دارند، حتی اگر ارزش چندانی نداشته باشند. این مشکلات هر نوع دور انداختن، از جمله ریختن چیزها در سطل زباله را شامل می‌شوند. آن‌ها باور دارند که این اقلام فایده دارند، ارزش زیبایی‌شناختی یا احساسی دارند، اما در واقع این اقلام اغلب از

1. Guadagno, R. E; & Cialdini, R. B.

2. Imaginary audience

3. Hoarding disorder

روزنامه‌های قدیمی، کیسه‌ها یا پس‌مانده‌های غذا تشکیل می‌شوند. وقتی این افراد به فکر دور ریختن چیزها می‌افتند، ناراحت می‌شوند. پس این اختلال ناشی از نیاز خیالی فرد به ذخیره کردن اجناس و ناراحتی مرتبط با دور ریختن آن‌هاست. پس در این اختلال نشانه‌های رغبت و میل شدید به نگهداری و جمع‌آوری و انجام آن البته تنها در امور مادی به چشم می‌خورد (ویتورن و هالجین، ۱۳۹۷: ج ۱: ص ۲۸۵-۲۸۶). مفهوم روان‌پریش-خویی^۱ آیزنک را می‌توان به نوعی با مفهوم بخل در امور غیرمادی مرتبط دانست. افرادی که در این عامل نمره بالا می‌گیرند نشانه‌های نوع دوستی، همدلی، یاری‌گری و دلسوزی را نسبت به دیگر انسان‌ها نداشته (فیست و دیگران، ۱۳۹۴: ص ۵۹۱) و در واقع این افراد نوعی بخل در محبت، مهربانی و دلسوزی نسبت به دیگران دارند. همچنین نشانه‌های از خودگذشتگی و ایثار در مفهوم گسترش خودپنداره آلپورت (۱۹۳۷: ص ۲۸۵)، توانایی ایثار و دریافت عشق در مفهوم از خودفراروندگی فرانکل^۲ (فرانکل، ۱۳۹۷: صص ۸۷-۸۸)؛ هیلمن^۳، ۲۰۰۴، ص ۳۶۱) و عامل خیرخواهی در مفهوم بلوغ اجتماعی رانو که رابطه مستقیم با عدم خودخواهی دارد (دالای، ۱۹۹۹؛ به نقل از هومن و دیگران، ۱۳۹۲) هر کدام به نوعی اشاره به عدم بخل این افراد در محبت، ایثار، عشق، نوع دوستی و خیرخواهی داشته و مشابهت با نشانه‌های خودفرونی را می‌رساند. یافته‌های پیرامون مؤلفه خودفرونی، با پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان نیز همسو است. در آثار اندیشمندان مسلمان به مفهوم حرص و بخل بسیار توجه شده است. دومین صفت از صفات رذیله (پس از تکبر) که در داستان انبیاء و آغاز خلقت انسان به چشم می‌خورد، حرص می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۸۱). حرص و بخل از شاخه‌های خودمحوری است به طوری که مطهری (۱۳۹۴، ص ۲۲۰) مرتبه‌ی دوم خودخواهی در انسان را این می‌داند که انسانیت در خدمت حیوانیت قرار بگیرد؛ به این معنا که کار انسان حرص و طمع و جمع کردن مال می‌شود و دچار بخل می‌گردد. نشانه تمایل به بیشتر از مقدار کفایت برای خود در آثار نراقی (۱۳۷۸، ص ۳۹۵)

1. Psychotism

2. Frankl, V.

3. Hillmann, M.

و احمدی تهرانی (۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۲۸) در تعریف حرص قابل مشاهده است. نشانه خود را همیشه در رنج انداختن برای رسیدن در پژوهش هراتیان، آگاه‌هریس، محمدی و شمسی‌نژاد (۱۳۹۳) تحت عنوان تلاش زیاد و استراحت کم اشاره شده است. همچنین نشانه قانع و راضی نبودن در این پژوهش تحت عنوان دل‌مشغولی مادی به معنای داشتن یک دغدغه نسبتاً دائمی درباره آینده مادی و احساس ناخرسندی نسبت به وضعیت مادی موجود منعکس شده است. نشانه آرزوی عمر طولانی در پژوهش‌هایی مانند شاملی و بنائیان اصفهانی (۱۳۹۰)، هراتیان و دیگران (۱۳۹۳)، جواهری (۱۳۹۵) از نشانه‌های حرص قلمداد شده است.

به‌طور کلی می‌توان تمامی این مفاهیم متناظر روان‌شناختی را دارای ماهیتی اساساً متفاوت از مؤلفه‌های این سازه دانست. ریشه‌ی اصلی مؤلفه‌های این سازه عدم شناخت خود، خداوند، جایگاه آن دو و دنیادوستی است. این در حالی است که ناهنجاری هیچ‌کدام از مفاهیم متناظر روان‌شناختی ارتباطی به نوع جهان‌بینی فرد نسبت به خداوند نداشته و بحث دنیا و آخرت در این مفاهیم بدون جایگاه است.

اما در تبیین و توضیح شرایط علی اختصاصی، خودکم‌بینی به‌عنوان شرط علی اختصاصی مؤلفه خودبرتری در پژوهش‌های زیادی (مانند قدوسی و میردریگوندی، ۱۳۹۲؛ پاشایی، ۱۳۸۹) به آن اشاره شده است. هراتیان، آگاه‌هریس و موسوی (هراتیان، آگاه‌هریس و موسوی، ۱۳۹۲) در پژوهش خود، ریشه‌ای‌ترین عامل تکبر را احساس حقارت و خودسرزنش‌گری دانسته‌اند؛ به‌طوری‌که در حوزه‌های فردی افت حرمت خود و در حوزه‌های اجتماعی موجب دفاع خودمحورانه می‌شود. خمینی (۱۳۸۴، ص ۸۹) یکی از علل کبر را احساس حقارت و ظرفیت کم فرد دانسته؛ به‌طوری‌که به‌مجرد دیدن کمال و امتیازی در خود، فرد گمان می‌کند که دارای مقام و مرتبه‌ای است. همچنین علت خارجی خوشی‌ها و سرمایه‌ها به‌عنوان پست‌ترین و کوچک‌ترین عاملی دانسته شده است که فردی به‌واسطه آن کبر در درونش ریشه می‌گیرد (خمینی، ۱۳۸۴: ص ۸۹). همچنین یکی از مهم‌ترین شرایط علی مؤلفه خودفرونی، دنیادوستی است. نراقی پدر (۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۰۲) و پسر (۱۳۷۸: ص ۳۹۵) حرص را از قوی‌ترین شعب حب دنیا دانستند و خمینی

(۱۳۸۵: ص ۲۱۷) حقیقت این صفت را چیزی جز شدت اشتیاق نفس به دنیا و شئون آن نمی‌داند. همچنین به این شرط علی در پژوهش‌هایی مانند جواهری (۱۳۹۵) و شاملی و بنائیان اصفهانی (۱۳۹۰) اشاره شده است. شرط علی اختصاصی دیگر مؤلفه خودفرونی یعنی سیری‌ناپذیری ذاتی را طباطبایی (۱۳۹۶: ج ۲۰، ص ۸۴) نعمت و فضیلتی برای انسان دانسته و انسان را سبب خارج شدن آن از فضیلت به رذیلت می‌داند. مذمت قرآن کریم انسان را به هلوع نیز از نظر سوء تدبیر انسان دانسته و نه از حیث اینکه فعل خداوند است. شرط علی دنیادوستی برای خودنمایشی نیز در آثاری مانند ابن فهد حلی (۱۳۷۵: ص ۳۷۱)، انصاریان (انصاریان، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۹۵) بیان شده است.

در تبیین شرایط علی مشترک، شرط علی عدم شناخت خود یا جایگاه آن را می‌توان هسته اصلی و مرکزی تمامی مؤلفه‌های سازه دانست. در تمامی مؤلفه‌های این سازه به این مفهوم اشاره شده و شامل خود را واجد کمال مستقل از خداوند دیدن، عدم شناخت آغاز و سرانجام خود در زندگی دنیا و عدم شناخت جایگاه خود در زندگی بعد از دنیا می‌شود. یافته‌های تعلیم و تربیت اسلامی نیز بر این موضوع تأکید دارند که شناخت خود، معادل شناخت هستی و خالق جهان است^۱ (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۲۲۱). همچنین برترین شناخت‌ها در منابع اسلامی، شناخت خویشتن و خودشناسی معرفی شده است^۲ (آمدی، ۱۴۱۰: ص ۱۸۹). در این پژوهش شناخت خود در یک پیوستاری در ارتباط با شناخت خداوند قرار می‌گیرد. در واقع تأکید اصلی در این شناخت بر وجود ربطی، غیرمستقل و فقر محض انسان در برابر خداوند است که تصورات باطل را از ذهن انسان پاک کرده و مانع از ابتلا به رذایل اخلاقی می‌گردد. این ادراک حقیقی می‌تواند انسان را از خودمحوری درونی و خودخواهی نسبت به هم‌نوعان خود مصون بدارد (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۲: صص ۱۶-۷۷-۷۹). پیرامون شرط علی عدم شناخت خداوند یا جایگاه او، می‌توان گفت معرفت و شناخت خداوند همراه با داشتن تصور درست از او به شدت در رفتار، احساسات و سلامت روان

۱. من عرف نفسه فقد عرف ربه.

۲. افضل المعرفة معرفة الانسان نفسه.

انسان تأثیرگذار است (آلپورت و رأس^۱، ۱۹۶۲؛ کرکپاتریک و شیور^۲، ۱۹۹۲؛ ریان^۳، ۲۰۰۱؛ گرینوی^۴ و همکاران، ۲۰۰۳؛ فلانفلی^۵ و همکاران، ۲۰۰۹؛ جلالی تهرانی، ۱۳۸۳، حدادی کوهسار و غباری بناب، ۱۳۸۸؛ به نقل از نورعلیزاده میانجی، بشیری و جان بزرگی، ۱۳۹۱). شناخت و تصور از خداوند یک مدل کارکرد درون روانی است که فرد، خدا را بدان گونه و در آن قالب تصور می‌کند (گاتیس^۶، ۲۰۰۱؛ به نقل از برابادی، ۱۳۹۴). در این پژوهش عدم شناخت خداوند یا جایگاه او منجر به نشناختن بزرگی، عظمت، جلال و شکوه خداوند، شریک قرار دادن برای او، تمام منافع خود را به دست غیر او دیدن و بدگمانی و عدم اعتماد نسبت به او شده است که این موارد خود باعث ایجاد صفات نابهنجار و پیامدهای رفتاری زیادی در انسان می‌شود. مجلسی (۱۴۰۳: ج ۷۳، ص ۲۰۱-۲۰۵) و فیض کاشانی (۱۳۷۶: ص ۳۸۵) درمان علمی کبر را شناخت خود و خداوند دانسته و همین عامل را به‌تنهایی در از بین رفتن کبر در انسان کافی دانسته‌اند. هراتیان و دیگران (هراتیان، آگاه هریس، محمدی و شمسی نژاد، ۱۳۹۳) و کاظمی و جعفری (۱۳۹۵) سوء ظن به خداوند را از علل اصلی و نشانه‌های مهم حرص و بخل قلمداد کرده‌اند. خمینی (۱۳۸۴: ص ۷۰) جهل و نادانی نسبت به عظمت خداوند و نسبت ممکن فقیر به واجب را موجب توهم کمال در انسان و عجب دانسته و همچنین در جای دیگر (۱۳۸۴: ص ۸۲) منشأ کبر را نیز عدم علم انسان به مقام ربوبیت و فقر مطلق بودن خود می‌داند. شناخت جایگاه خداوند نسبت به انسان که مورد تأکید این پژوهش در این شرط علی می‌باشد در کلمات زیادی از اندیشمندان مسلمان توضیح و تبیین شده است. به‌عنوان نمونه مصباح یزدی (۱۳۶۷: ص ۱۲۱) یکی از نکات کلیدی قابل طرح به‌عنوان راهبرد اصلی در اخلاق را این می‌داند که انسان نیاز مطلق است، پس هرآنچه که نیازمندی مطلق او به خداوند را

-
1. Allport & Ross
 2. Kirkpatrick & Shaver
 3. Ryan
 4. Greenway
 5. Flannelly
 6. Gattis, J. P.

افزایش دهد و هرچیزی که پیوند او با خداوند و اتصالش را با قادر مطلق و غنی مطلق تقویت کند، در واقع در رشد و کمال او گام برداشته و در نتیجه اخلاقی است. طباطبایی (۱۳۹۶، ج ۶، ص ۱۷۱-۱۷۲) درباره این خودآگاهی معتقد است که اگر انسان فقر و نیاز خویش را مشاهده کند و نیازمندی خود را در تمامی ابعاد ادراک کند، وجود خود را در تمامی ابعاد اعم از زندگی، علم، قدرت و شنوایی و بینایی و تمامی صفاتش نیازمند به خداوند یکتا می‌یابد. انسان می‌فهمد که راه خروجی از این فقر و نیاز برایش نیست و جز پیمودن راهی که او را به سوی خالقش بازمی‌گرداند ندارد. قرآن کریم (سوره فاطر، آیه ۱۵) نیز فقر مطلق بندگان را با صراحت تمام بیان کرده و آن‌ها را به این نکته اساسی آگاهی می‌دهد^۱.

آخرین شرط علی‌مستتر خوددوست‌داری ذاتی می‌باشد. خوددوست‌داری ذاتی از ریشه‌های اصلی و مهم در تمام مؤلفه‌های این سازه می‌باشد. به‌عنوان نمونه خمینی (۱۳۸۴: ص ۷۱) مفطور بودن انسان به حب نفس را باعث رذیله عجب و کبر دانسته و در یک قاعده کلی بیان می‌کند که سرمنشأ تمام خطاهای انسانی و رذائل اخلاقی حب نفس است. همچنین فروزانفر (۱۳۶۷: ج ۳، ص ۱۰۱۷) و طالقانی (۱۳۷۳: ص ۶۱) کبر و بزرگ دانستن خود را از شاخه‌های قوی و ریشه‌دار درخت حب ذات انسان دانسته‌اند. اینکه انسان‌ها دارای غریزه حب ذات‌اند و بر اساس آن عمل می‌کنند، مورد تأیید بسیاری از اندیشمندان مسلمان واقع شده است. طباطبایی (۱۳۶۲: ص ۱۸۳) نقش خوددوست‌داری را در ارتباط با رفتارهای انسان به روشی عقلی تبیین کرده و بیان می‌کند که فاعل همیشه برای کمال خویش کار انجام می‌دهد و مقصود اصلی در همه افعالی که از فاعل صدور می‌یابد، خود فاعل است. از نگاه صدر (۱۴۰۱: صص ۳۶-۳۷) نیز حب ذات غریزه‌ای است که فراگیرتر و مقدم‌تر از آن شناخته نشده است؛ به‌طوری‌که همه غریزه‌های دیگر را از شاخه‌ها و شعبه‌های این غریزه می‌داند. جعفری (۱۳۷۵: ج ۴، ص ۱۴۶) نیز حب ذات را اصیل‌ترین غریزه آدمی توصیف می‌کند که نیرومندترین محرک زندگی آدمیان می‌باشد. مصباح

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

یزدی در کتاب اخلاق در قرآن (مصباح یزدی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۴۶)، ظهور فعالیت‌های انسان را ناشی از سه غریزه اصلی سرچشمه از نفس دانسته و آن سه را از مظاهر خوددوست‌داری و حب نفس در انسان می‌داند.

یافته‌های حاصل از این پژوهش، بستر مناسبی برای تدوین پرسشنامه و مداخله درمانی این سازه فراهم کرده است. پیشنهاد می‌شود روابط مدل مفهومی فرآیندی سازه مرکزیت‌بخشی نابهنجار به خود در منابع اسلامی با متغیرهای دیگر روان‌شناختی مرتبط، بررسی و سنجیده شود. مدل فرآیندی مرکزیت‌بخشی نابهنجار به خود بر اساس مصاحبه نیمه ساختار یافته با متخصصان طراحی شود. همچنین پیشنهاد می‌شود مداخلات درمانی طراحی شده در روان‌درمانی‌های حوزه روان‌شناسی اخلاق و روان‌شناسی اسلامی به کار برود.



منابع

- قرآن کریم.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۶۶). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح*.
- امینی، ابراهیم. (۱۳۷۵). *خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس، قم، شفق*.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۱۳۹۵). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM 5*، فرزین رضاعی، علی فخرایی، آتوسا فرمند، علی نیلوفری، هاشمی آذر ژانت و فرهاد شاملو، مترجمان، تهران، کتاب ارجمند.
- انجمن روان‌پزشکی آمریکا. (۱۳۹۶). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی*، یحیی محمدی، مترجم، تهران، روان.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). *عرفان اسلامی (شرح مصباح الشریعه)*، محسن فیض پور و محمد جواد صابریان، محققین، قم، دارالعرفان.
- آخوندی یزدی، سعید؛ و ارزانی، حبیب رضا. (۱۳۹۱). «خودپسندی و زیان‌های آن از دیدگاه امام علی علیه السلام»، اخلاق، ۸.
- آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰). *غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۱-۱، قم، دارالکتاب الاسلامی.
- برآبادی، حسین احمد. (۲۰۱۵). «مقایسه کیفیت تصور از خدا در بیماران افسرده و افراد سالم»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سپتامبر، ۶، ۶۹-۹۶، ۲۳.
- برک، لورا. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی رشد نوجوانی تا پایان زندگی (عمر) جلد دوم*، یحیی محمدی، مترجم، تهران، ارسباران.
- پاشایی، سعید. (۱۳۸۹). *بررسی عُجب و کبر و راه‌های علاج آن در اخلاق اسلامی* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه قم، قم.
- تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۵). *اخلاق الاهی: مباحث قوه غضبیه*، محمدرضا جباران، ویراستار، ج هفتم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جواهری، محمدرضا. (۱۳۹۵). «واکاوی مفهوم حرص در اخلاق اسلامی در پرتو احادیث امام رضا (ع)»، فرهنگ رضوی، ۱۶.
- خمینی، روح الله. (۱۳۹۱). کلمات قصار: پندها و حکمت‌ها، تهران، عروج (موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)).
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۴). شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح الله. (۱۳۸۵). شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- دایر، وین. (۱۳۸۲). خود حقیقی شما، جستجوی خوشبختی، علیرضا شاملو، مترجم، تهران، رامانیوش.
- ساعتچی، محمود؛ بروجردی، شهلا؛ و اسدی، پروا. (۱۳۹۰). واژه‌نامه‌ی روانشناسی و زمینه‌های وابسته: انگلیسی - فارسی، فارسی - انگلیسی، تهران، جنگل، جاودانه.
- سالاری فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، مهدی؛ و دولتخواه، محمد. (۱۳۹۰). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، سعیدرضا علی‌عسکری، ویراستار، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سبحانی نیا، محمد تقی. (۱۳۹۲). رفتار اخلاقی انسان با خود، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- شاملو، سعید. (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی روانی، تهران، رشد.
- شاملی، دکتر نصرالله؛ و بنائیان اصفهانی، علی. (۱۳۹۰). «تبیین میدان معنی‌شناسی مفهوم «بخل» در نهج البلاغه»، مشکوة، ۱۱۰.
- شجاعی، محمدصادق. (۱۳۸۹). نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، مجتبی حیدری، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

- شولتز، دوآن؛ و شولتز، نی آلن. (۱۳۹۷). *نظریه‌های شخصیت (ویراست دهم)*، یحیی محمدی، مترجم، تهران، ویرایش.
- شهنی بیلاق، منیجه؛ و نژاد، سودابه. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه انواع راهبردهای خودابزاری دفاعی با نشانگان وانمودگرایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز»، *دانشور رفتار*، آبان، ۲۵.
- شیخ بهائی، محمدبن حسین. (۱۳۸۷). *اربعین شیخ بهائی*، عبدالرحیم عقیقی‌بخشایشی، مترجم، قم، دفتر نشر نوید اسلام.
- صدر، محمد باقر. (۱۴۰۱). *فلسفتنا*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- طالقانی، نظر علی. (۱۳۷۳). *کاشف الاسرار*، مهدی طیب، محقق، ج ۱-۲، تهران، رسا.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۶). *ترجمه تفسیر المیزان*، سید محمد باقر موسوی همدانی، مترجم، قم، الجماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
- طباطبایی، سید محمد کاظم. (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات. *بازیابی از کتابخانه موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث*.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۶۲). *نهایه الحکمه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- طهماسبی، رضا؛ غفاری، حسن؛ و شبانی، مهدی. (۱۳۹۳). «بررسی آثار خودباوری و عزت نفس بر شکل‌گیری تصویرپردازی در کارکنان بانک سپه»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۳۳.
- عباس نژاد، محسن. (۱۳۸۴). *قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی*، ابوالقاسم حسینی، جواد بهادرخان، مهدی واعظ موسوی، محمد کاظم شریعتی، جواد افروغی و حمید فغفور مغربی، محققین، ج ۱، مشهد، بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه.
- عبدالهادی مسعودی. (۱۴۳۱). *نسیم حدیث*، دارالحدیث.
- عشریه، رحمان؛ و طاهرپور، هما. (۱۳۹۵). *حوزه معنایی کبر و استکبار و واژگان همگون آن دو در قرآن و حدیث*. مقاله ارائه شده در نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی.

- غزالی، محمد بن محمد. (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*، مویالدین محمد خوارزمی، مترجم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فتاحی، سید حمید. (۱۳۷۲). *بهداشت روانی در اسلام*، قم، نشر مرتضی.
- فرانکل، ویکتورامیل. (۱۳۹۷). *انسان در جستجوی معنا*، امیر لاهوتی، مترجم، تهران، جامی.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۶۷). *شرح مثنوی شریف (فروزانفر)*، ج ۱-۳، تهران، زوار.
- فروم، اریک. (۱۳۶۴). *آناتومی ویرانسازی انسان*، احمد صبوری، مترجم، تهران، فرهنگ.
- فروم، اریک. (۱۳۹۷). *انسان برای خویشتن (پژوهشی در روانشناسی اخلاق)*، تهران، بهجت.
- فیروزبخت، مهرداد. (۱۳۸۹). *فرهنگ جامع روان‌شناسی و روان‌پزشکی*، تهران، ویرایش.
- فیست، جس؛ فیست، گرگوری ج؛ و رابرتس، تامیآن. (۱۳۹۴). *نظریه‌های شخصیت*، یحیی سیدمحمدی، مترجم، ویرایش ویراست ۸، تهران، روان.
- فیض کاشانی، محمدبن‌شاه مرتضی. (۱۳۷۶). *المحجبه البیضاء*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قدوسی، ابوالفضل؛ و میردریکوندی، رحیم. (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم روان‌شناختی کبر در منابع اسلامی و مقایسه آن با خودشیفتگی»، معرفت، آذر، ۹.
- قربانی، نیما؛ و واتسن، پی.جی. (۱۳۸۴). «فرایندهای خود شناختی و نظام‌های پردازش خبر عقلانی و تجربه‌ای در ایران و امریکا»، روانشناسی تحولی، ۵.
- کاظمی، یحیی؛ و جعفری، امیرقلی. (۱۳۹۵). «گونه شناسی پیامدهای بخل در سبک زندگی اسلامی»، پژوهشنامه اخلاق، نهم، ۳۴.
- گنجی، حمزه. (۱۳۹۳). *بهداشت روانی*، تهران، ارسباران.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۳). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، ج ۱-۲۸، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، جمعی از نویسندگان، محقق، ج ۱-۱۱۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- محمدآباد، علی اصغر حسینی؛ و محمدآباد، ابوذر حسینی. (۱۳۹۴). *روش‌های اسلامی تأمین بهداشت روان: درمان خشم، ترس، کبر، خودکم‌بینی، حسد، حرص، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.*
- مزلو، آبراهام هرولد. (۱۳۷۶). *انگیزش و شخصیت، احمد رضوانی، مترجم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.*
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۷). *دروس فلسفه اخلاق، تهران، اطلاعات.*
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳). *اخلاق در قرآن (مصباح یزدی)، ج ۱-۳، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مرکز انتشارات.*
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۸، قم، صدرا.*
- مظاهری، حسین. (۱۳۹۲). *دانش اخلاق اسلامی، مجید هادی زاده، اصفهان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شعبه اصفهان.*
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). *اخلاق در قرآن، ج ۱-۳، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).*
- موسوی لاری، مجتبی. (۱۳۸۷). *بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.*
- موسوی لاری، مجتبی. (۱۳۹۱). *بررسی مشکلات اخلاقی و روانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی آبادی، خدیجه؛ فردانش، هاشم؛ و مزینی، ناصر. (۱۳۹۲). «تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج»، *اندازه‌گیری تربیتی، چهارم، ۱۴.*
- نراقی، احمدبن محمد مهدی. (۱۳۷۸). *معراج السعاده، قم، موسسه انتشارات هجرت.*
- نراقی، محمد مهدی. (۱۳۸۵). *جامع السعادات، محمد کلانتر، مصحح، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.*
- نورعلیزاده میانجی، مسعود؛ بشیری، ابوالقاسم؛ و جان بزرگی، مسعود. (۱۳۹۱). «رابطه خدا آگاهی با خودآگاهی»، *روانشناسی و دین، دی، پنجم، ۳ (پیاپی ۱۹).*

ویتبورن، سوزان کراس؛ و هالجین، ریچارد. (۱۳۹۷). *آسیب‌شناسی روانی - دیدگاه‌های بالینی درباره اختلال‌های روانی بر اساس DSM-IV-TR*، یحیی محمدی، مترجم، تهران، روان. (نشر اثر اصلی ۲۰۱۳)

هراتیان، عباسعلی؛ آگاه هریس، مژگان؛ محمدی، زهرا؛ و شمسی نژاد، فاطمه السادات. (۱۳۹۳). «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی حرص - قناعت»، روان‌شناسی و دین، ۴.

هراتیان، عباسعلی؛ آگاه هریس، مژگان؛ و موسوی، الهام. (۱۳۹۲). «ساخت و اعتباریابی مقیاس اسلامی تکبر - تواضع»، روان‌شناسی و دین، ۴.

هورنای، کارن. (۱۳۹۷). *تضادهای درونی ما*، محمدجعفر مصفا، مترجم، تهران، بهجت. هومن، حیدرعلی؛ وطن خواه، حمیدرضا؛ و جهانزاد، سارا. (۱۳۹۲). «مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه بلوغ اجتماعی راثو»، تحقیقات روان‌شناختی، ۵، ۱۷. ابراهیم نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۷). «خودآرایی و خودنمایی از دیدگاه اسلام»، رهیافت انقلاب اسلامی، ۴.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۳۷۵). *آیین بندگی و نیایش: ترجمه عدّه الداعی*، حسین غفاری ساروی، مترجم، قم، بنیاد معارف اسلامی.

احمدی تهرانی، علی. (۱۳۹۷). *اخلاق اسلامی*، مشهد، کانون نشر کتاب.

شبر، عبدالله. (۱۳۷۴). *الاخلاق*، عزیزی.

شفیعی، حسن؛ و صفاری نیا، مجید. (۲۰۱۱). «خودشیفتگی، عزت‌نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، اوت، ۲، ۱۲۳-۱۴۸، ۶.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۴). *انسان کامل*، قم، صدرا.

- Allport, Gordon Willard. (1937). *Personality: A psychological interpretation*.
- Allport, Gordon Willard. (1961). *Personality: A psychological interpretation*.
- Ansbacher, Heinz Ludwig; & Ansbacher, Rowena R. (1956). *The individual psychology of Alfred Adler: A systematic presentation in selections from his writings*.
- Baumeister, Roy F; Smart, Laura; & Boden, Joseph M. (1996). *Relation of threatened egotism to violence and aggression: The dark side of high selfesteem*. *Psychological review*, 103(1), 5.
- Burger, J. (1993). *Personality*, Brooks. Cole, Pacific Grove, CA.
- Elkind, David. (1967). *Egocentrism in adolescence*. *Child development*, 1025–1034.
- Feinberg, Joel. (2013). *Psychological egoism*. *Ethical Theory: An Anthology*, 167–77.
- Ghorbani, Nima; Framarz, Ahad Ghramaleki; & Watson, PJ. (2005). *Philosophy, selfknowledge, and personality in Iranian teachers and students of philosophy*. *The Journal of psychology*, 139(1), 81–95.
- Glaser, Barney G; & Strauss, Anselm L. (1967a). *The constant comparative method of qualitative analysis*. *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*, 101, 158.
- Glaser, Barney G; & Strauss, Anselm L. (1967b). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Chicago: Aldire.
- Goffman, Erving. (2002). *The presentation of self in everyday life*. 1959. Garden City, NY, 259.
- Grover, Kelly E; Carpenter, Linda L; Price, Lawrence H; Gagne, Gerard G; Mello, Andrea F; Mello, Marcelo F; & Tyrka, Audrey R. (2007). *The relationship between childhood abuse and adult personality disorder symptoms*. *Journal of personality disorders*, 21(4), 442–447.
- Guadagno, Rosanna E; & Cialdini, Robert B. (2007). *Gender differences in impression management in organizations: A qualitative review*. *Sex Roles*, 56(7-8), 483–494.
- Hall, Calvin S; Lindzey, Gardner; & Campbell, John B. (1998). *Theories of personality*. John Wiley & Sons Inc.
- Hillmann, Manfred. (2004). *Viktor E. Frankl's existential analysis and logotherapy*. *Handbook of Motivational Counseling*, 357.
- Hjelle, Larry A; & Ziegler, Daniel J. (1992). *Personality theories: Basic assumptions, research, and applications*. McGraw-Hill Book Company.

- Hsieh, Hsiu-Fang; & Shannon, Sarah E. (2005). *Three approaches to qualitative content analysis*. *Qualitative health research*, 15(9), 1277–1288.
- Ingram, Rick E. (1990). *Self-focused attention in clinical disorders: review and a conceptual model*. *Psychological bulletin*, 107(2), 156.
- McKenzie, Karyn S; & Hoyle, Rick H. (2008). *The Self-Absorption Scale: Reliability and validity in non-clinical samples*. *Personality and Individual Differences*, 45(8), 726–731.
- McLean, Kate C; & Syed, Moin. (2014). *The Oxford handbook of identity development*. Oxford Library of Psychology.
- Pincus, Aaron L; Ansell, Emily B; Pimentel, Claudia A; Cain, Nicole M; Wright, Aidan GC; & Levy, Kenneth N. (2009). *Initial construction and validation of the Pathological Narcissism Inventory*. *Psychological assessment*, 21(3), 365.
- Polit, Denise F; & Beck, Cheryl Tatano. (2006). *The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations*. *Research in nursing & health*, 29(5), 489–497.
- Sober, Elliott. (2000). *Psychological egoism*. *The blackwell guide to ethical theory*. Blackwell, Malden, MA, 129–148.
- Strauss, Anselm; & Corbin, Juliet. (1990). *Basics of qualitative research*. Sage publications.